



رحمت‌الله رجبی

آشنایی ایرانیان با تحولات مغرب‌زمین، سرآغاز دگرگونی و تحول در جامعه سنتی ایران بود. تأسیس نهادهای جدید تمدنی از جمله مدرسه، انتشار روزنامه، و از همه مهم‌تر شکل‌گیری نهضت مشروطه‌خواهی و به دنبال آن تأسیس نظام مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، راه‌اندازی مجلس و تدوین قانون اساسی، جامعه ایران را وارد دنیای مدرن کرد؛ دنیایی که بسیار متفاوت با گذشته بود. یکی از مسائل ایران پس از این سال‌ها، طرح مفهوم ملت و تدوین حقوق آن با عبور از رعیت و رعیت‌پروری بود که در متمم قانون اساسی مشروطه تبلور یافت و در آن بیش از همه بر برابری و حقوق همه اقشار تأکید داشت. باید توجه داشت زنان اگرچه به شکل‌های گوناگون در جامعه، به عنوان همسر در خانه و فعالیت‌های اقتصادی نقش داشتند و پایه‌ی مردان کار می‌کردند، ولی همواره در حاشیه بودند. آنها به عنوان موجود ضعیف، میدانی برای حضور و فعالیت در عرصه اجتماعی همچون مردان نداشتند. این موضوع در دوران معاصر تغییر و زمینه برای حضور و نقش‌آفرینی آنان فراهم شد. سرآغاز این اقدامات، راه‌اندازی دبستان به مفهوم مدرن بود.

### معرفی برخی زنان فعال سال‌های دهه چهل و پنجاه سرزمین گرگان:

**ظاهر کشاورز:** ظاهر کشاورز، فرزند علی اصغر کشاورز، فعال در امر قضا، از جمله دادگستری گرگان بود. او متولد ۱۳۰۲ در شهر دامغان بود که سال ۱۳۸۸ در گرگان درگذشت. خانم کشاورز در سال تحصیلی ۲۱-۱۳۲۰ موفق به کسب دیپلم ادبی از دبیرستان اختران تهران شد. او اگرچه برای تحصیل به دانشگاه رفت، ولی آن را ادامه نداد. خانم کشاورز از زنان فعال روزگار خود بود. تأسیس اولین پرورشگاه کودکان گرگان به همراه خانم عصمت حکمت‌نژاد و دیگر فعالان زن، تأسیس مدرسه غیردولتی «پیوند مهر» با همکاری خانم‌ها ایران مقصدولو و مریم‌السلادات صفوی، ریاست و مدیریت سازمان زنان شعبه گرگان، عضویت در شورای داور شهرستان گرگان و... از جمله فعالیت‌های او بود.

**شهین بهادرانی:** صدراعلی‌باج بهادرانی معروف به شهین بهادرانی، فرزند عباس‌علی متولد ۱۳۱۳ باغ بهادران استان اصفهان بود که سال ۱۴۰۳ در تهران درگذشت. او به دلیل شغل پدر و سپس همسر، در شهرهای مختلف اقامت کرد چنانچه مدتی به همراه همسرش (آقای تقوی) در گرگان ساکن شد. خانم بهادرانی گواهینامه پایان تحصیلات عالی پرستاری خود را از آموزشگاه عالی پرستاری رضاشاه در سال ۱۳۳۷ کسب کرد. او سال ۱۳۴۱ موفق به کسب دانشنامه مامانی از آموزشگاه عالی مامانی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. سال ۱۳۵۱ موفق به کسب پروانه مامانی شد. کار بزرگ خانم شهین بهادرانی در گرگان، تأسیس و مدیریت مرکز بیماری بویه در ۱۳۴۶ بود که پایه و اساس دانشگاه علوم پزشکی مجموعه فلسفی امروز است. خانم بهادرانی همچنین مدیریت بیمارستان ۵ آذر گرگان را در سال‌های پایانی رژیم پهلوی بر عهده داشت و آن را به شکل مطلوب و مقتدرانه اداره می‌کرد.

**مهین دخت گرگانی:** مهین‌دخت گرگانی، دختر محمد آخوند، وکیل ده دوره ترکمن‌ها در مجلس شورای ملی (از همسر چهارم او که بانویی ترک‌زبان بود) است. مهین‌دخت سال ۱۳۱۰ در تهران به دنیا آمد و سال ۱۳۷۶ در همین شهر درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. او ۱۳۳۷ موفق به کسب مدرک دکترای پزشکی از دانشگاه تهران شد و از سال ۱۳۳۹ برای ادامه تحصیل در طب کودکان، به کشور انگلستان رفت. این در حالی بود که سنت‌گرایان شدیداً مخالف تحصیل دختران در مقطع آموزش عالی و اعزام به خارج بودند (وکیل صحرا صص ۱۵۲-۱۴۹).

دکتر مهین‌دخت گرگانی بعد از بازگشت به ایران در بیمارستان ۵ آذر و سپس مطب شخصی خود واقع در خیابان کاخ به طبابت پرداخت. او در انتخابات میان‌دوره‌ای دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی به نمایندگی گرگان انتخاب شد. دکتر مهین‌دخت گرگانی اولین و آخرین نماینده زن از ابتدای تأسیس مجلس در عصر قاجار تا به امروز در سرزمین گرگان است.

**سکینه پری:** سکینه پری همدانی، فرزند نصرالله در سال ۱۲۷۷ در شبه‌جزیره کریمه به دنیا آمد. او بعد از تحصیل در دانشکده آستاراخان موفق به کسب

## نقش و معرفی برخی زنان گرگان

(۱۳۰۴-۱۱۷۴ خورشیدی)

دکترای پزشکی شد که بعدها آن را با تحصیل در دانشگاه مسکو ادامه داد. دکتر سکینه پری سال ۱۳۱۳ به ایران بازگشت و به موجب تشخیص وزارت معارف دولت علیه ایران، حق اشتغال به طبابت و جراحی یافت. دکتر سکینه پری به دلایلی کار در بندر گز را ترجیح داد و در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۵۷ ساکن این شهر شد. دکتر پری ابتدا پزشک اختصاصی شيلات در روستای قره‌سو بندر گز بود، اما افرادی را هم که به او مراجعه می‌کردند معاینه می‌کرد. او بعد از بازنشستگی برای همیشه در شهر بندر گز ساکن شد و خانه خود را به درمانگاهی مبدل کرد و به طبابت مردم مشغول شد. دکتر سکینه پری سال ۱۳۵۷ در تهران درگذشت. جسد او به همت برخی، به بندر گز منتقل و در قبرستان مسلمین آنجا به خاک سپرده شد.

**لوتین فیروز:** لوتین فیروز در پی ازدواج با یک ایرانی از خاندان فیروز، به ایران آمد و از دهه چهل در شهر کلاله ساکن شد و به پرورش اسب پرداخت. کار بزرگ خانم لوتین فیروز مطالعه، پرورش و معرفی اسب ترکمن به علاقه‌مندان به خصوص «اسب اسبچه خری» بود. او هرگز کلاله را ترک نکرد و سرانجام سال ۱۳۸۷ در همین شهر درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد.

**بانوان عصمت موسوی و حلیمه خراسانی:** بانوان عصمت موسوی و حلیمه خراسانی از جمله زنانی بودند که در سال‌های پایانی دهه چهل به علت ارتباط همسر و برادران خود با سازمان‌های چریکی وقت، نه فقط مشکلات آنان را تحمل بلکه با آنان همکاری می‌کردند. اقدام مهم و شجاعانه آنها کمک و همکاری فراوان در فراری دادن یکی از بانوان زندانی سیاسی (اشرف دهقانی) بود که توانست بیش از همه ابهت و اقتدار رژیم را زیر سؤال ببرد.

**بانوان قربانی خوشونت پلیس:** گسترش اعتراضات علیه رژیم پهلوی در سال‌های پایانی دهه پنجاه همراه با حضور زنان بود که پایه‌ی مردان در تظاهرات شرکت می‌کردند. در اعتراضات سال ۱۳۵۷ زنان حضور فعال داشته و برخی از آنان قربانیان تیراندازی و خشونت پلیس شدند؛ چنانچه در حادثه خونبار ۵ آذر ۱۳۵۷ شهر گرگان، خانم‌ها صدیقه پروانه (۵۷-۱۳۲۸) و نرگس قصابان (۱۳۵۷-۱۳۰۸) به شهادت رسیدند.

**بانوام کلثوم شفیعی:** علاوه بر این زنان، می‌توان از خانم‌های بسیاری نام برد که با تحصیل و سپس کار در مشاغل مختلف از جمله تدریس، پزشکی و... توانستند منشأ خدمات بسیاری شوند. در کنار این خانم‌های فعال، باید از بانوانی یاد کنم که در پیشرفت و تصمیم‌گیری همسرانشان نقش داشتند که بانوام کلثوم شفیعی از جمله آنهاست. او همسر حاج محمدتقی فلسفی بود که تاجر بسیار فعال و نیکوکار بود و خانه مسکونی خود را در محله سرچشمه به دبستان اختصاص داد. آقای فلسفی همچنین بخشی از اموال خود را به تأسیس دانشکده پزشکی اختصاص داد که بعد از درگذشت او، به همت همسر و فرزندان محمدتقی فلسفی در گرگان ساخته شد و هم‌اکنون یکی از دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران است.

### زنان روستایی

جدا از زنان شهری فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی، باید از زنان روستایی یاد کنیم که علاوه بر کار خانه، در کارگاه‌های قالی‌بافی و مزارع کشاورزی از جمله پنبه‌زارها و شالیزارها، پایه‌ی همسران خود کار کرده و سعی داشتند یاریگران آنها برای زندگی باشند. فراموش نکنیم در پایان سال‌های دهه چهل و پنجاه، سرزمین گرگان کانون تولید پنبه (طلای سفید) بود که بدون تردید بخش مهمی از تولید به خصوص در امر برداشت، حاصل کار زنان بود. این را می‌توان در لایه‌هایی که برای فرزندان می‌خوانند و یا ترانه‌هایی که در مزارع از جمله ترانه مشهور نانا پنبه جار نشومبه، سر می‌دادند شنید. امروزه هم زنان نقش مهمی در انجام کارهای مختلف و پیشبرد امور زندگی دارند. درواقع آنان اساس خانواده هستند و تمام تلاش خود را وقف زندگی همسر و فرزندان خود می‌کنند. امروزه می‌توان زنان را در مراکز درمانی، آموزشی، خدماتی و مشاغلی چون کار در کارخانه‌ها و مزارع کشاورزی دید. کفایت یک صبح زود از خانه بیرون بیاییم و آنها را ببینیم که چگونه کام‌های استوار برمی‌دارند تا زندگی مداوم و استمرار داشته باشد.

منابع:

- ۱- سالنامه فرهنگ گرگان. آموزش و پرورش گرگان ۱۳۳۷
- ۲- دانشنامه گلستان جلد اول. مؤسسه فرهنگی میرداماد. گرگان. نشر بنام ۱۳۹۵
- ۳- گرگانی‌ها. رضا مقصدولو. گرگان. نشر پیک ریحان ۱۳۹۸
- ۴- وکیل صحرا. رحمت‌الله رجبی. گرگان. نشر پیک ریحان ۱۳۹۴

## بی‌بی خانم استرآبادی که بود؟



شفیقه سادات نیک‌نفس

درباره زندگی بی‌بی خانم استرآبادی اطلاعات جامع و کافی وجود ندارد. شاید بتوان گفت زندگی‌نامه مختصر خودنوشت او در کتاب «معایب الرجال»، مستندترین و جامع‌ترین منبع موجود است. اما این نوشته آنچنان کفایت پرسش‌های پژوهشگران را نمی‌کند. مقدمه پژوهشی و پرمحتوای افسانه نجم‌آبادی در کتاب معایب الرجال که برای نخستین بار سال ۱۳۷۱ به چاپ رسید و نیز چند صفحه در کتاب «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار» اثر مشترک فریدون آدمیت و هما ناطق که در سال ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است، منابع دیگری هستند که به زندگی‌نامه این چهره برجسته حقوق زنان پرداخته‌اند و اثر وزین و ارزشمند او را معرفی کرده‌اند. منبع مورد اعتنای دیگر کتاب خاطرات خدیجه‌افضل وزیر است که توسط دخترش سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده و بخشی از آن به معرفی بی‌بی خانم، مادر خدیجه‌افضل اختصاص دارد. همچنین در وبگاه ارزشمند دنیای زنان قاجار که به همت افسانه نجم‌آبادی در دانشگاه هاروارد آرشیو بسیار ارزشمندی از عکس و اسناد و سایر اقلام پژوهشی فراهم شده است، مصاحبه‌ای دوجلسه‌ای با خانم مه‌لقا ملاح، دختر خدیجه‌افضل و نوه بی‌بی خانم وجود دارد که می‌تواند تا حدی کمبود منابع دسته اول را جبران کند. گذشته از اینها مجموعه‌عکس‌هایی که از آل‌بوم‌های خانوادگی فرزندان بی‌بی خانم در این آرشیو وجود دارد، می‌تواند به امر پژوهش کمک مؤثری کند. لازم به یادآوری است که از شخص بی‌بی خانم هیچ عکس به جای نمانده و فقط یک نقاشی توسط مهرانگیز ملاح به صورت ذهنی از او کشیده شده است که در وبگاه یادشده موجود است. کتاب «زنان ایران در جنبش مشروطه» تألیف عبدالحمین ناهید نیز از جمله آثاری است که به این بانوی شاخص اشاراتی دارد. قطعا جمع‌آوری مقاله‌های تالیفی این بانوی توانا که در روزنامه‌های حبل‌المتین و تمدن و نشریه مجلس چاپ شده بود، می‌تواند قدمی مهم و مؤثر در شناخت او و اندیشه‌ها و ایده‌ها و افکارش باشد.

بی‌بی خانم استرآبادی فرزند خدیجه خانم و محمدباقرخان، سرکرده سواره استرآباد بود. او سال ۱۲۳۶ ش برابر با ۹-۱۸۵۸ در نوکنده به دنیا آمد. پدر بزرگ مادری‌اش آخوند ملاکاظم مجتهد مازندرانی، ساکن بارفروش (بابال فعلی) بود که ۵۰ سال در تهران مشغول تدریس علوم و محاکمات شرعی بود. از اجداد پدری‌اش کربلانی باقرخان، قوللر آقاسی دربار فتحعلی‌شاه بود که پس از ۶۰ سال خدمت در جنگ کشته شد. حمزه‌خان نیز در سرحد استرآباد خدمت می‌کرد. خدیجه خانم، مادر بی‌بی خانم در حرم و اندرون خدمتگزار شکوه‌السلطنه، مادر ولیعهد و نیز آموزگار (باجی خانم) فرزندان درباری بود (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱، ص ۹).

بی‌بی خانم کنار مادرش در دربار مشغول به آموختن شد. در کودکی خط خوشی داشت و روی دیوار کاخ خطاطی می‌کرد. لذا ناصرالدین شاه دستور داد که جزو کودکان دربار او نیز تعلیم ببیند (بی‌بی خانم، ص ۲۰۲۳).

نوزده‌ساله بود که جوانی اهل قفقاز که شغل نظامی‌گری داشت، به نام موسی وزیراف، دل‌باخته او شد. بی‌بی خانم نیز گرفتار و بی‌قرار او شد. آن دو پس از چهار سال با وجود مخالفت خانواده با یکدیگر ازدواج کردند که حاصل این ازدواج هفت فرزند به نام‌های خدیجه‌افضل، مولود، علی‌نقی، فتح‌علی، حسن‌علی، علیرضا و علی‌اصغر وزیری بودند. خدیجه‌افضل